



اقتصادی

اشاره، فرهنگ زیربنای اصلی ساخت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد و هرگونه تغییر و تحولی در جوامع بشری، وابستگی تام و تمام به تحولات فرهنگی آنها دارد. قرآن از این اصل بعنوان یک سنت الهی یاد کرده است، «همانا خداوند حال هیچ قومی را تغییر نپسید، مگر آنکه خودشان در نص‌هایشان تغییر ایجاد کنند» (قرآن کریم، سوره زمر، آیه ۱۱). بنابر این توجه به مقوله **فرهنگ** و برنامه‌ریزی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران باید از اهمیتی وافر و بسزا برخوردار، و هم و غم فراوان جامعه را بسوی خود جلب نماید. اگر سرعت تحولات علمی و فرهنگی و گسترش ارتباطات و... در عرصه جهانی را نیز در نظر بگیریم و صحنه «جنگ فرهنگی» موجود در دنیا، که سلطه فرهنگی غرب را دنبال می‌کند، بخوبی دریابیم، آنگاه توجه به مقوله فرهنگ را باید صد چندان از آنچه هم اکنون هست، احساس کنیم. حفظ «هویت دینی و ملی» ما جز در پرتو فعالیت‌های فرهنگی‌ای که از یک طرف رشد در تاریخ، فرهنگ و ارزشهای دینی و ملی ما داشته باشد، و از طرف دیگر مناسب با مقتضیات زمان، نیازهای کنونی جامعه و قالیتهای موجود فرهنگی غرب (اعم از رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب، نظام آموزش و پرورش و...) باشد، میسر نخواهد بود. متأسفانه باید اذعان کرد با وجود اعتراف همگان و بخصوص اهل خرد به اهمیت نقش فرهنگ و حتی طرح مبینشی چون «تأهجام فرهنگی»، آتچنان که شاید و باید به این مقوله توجه شده است و علایم هشدار دهنده‌ای در تعبیر حکایت از معضلات فرهنگی نهفته و حتی به تغییر برخی «بخران فرهنگی» دارد!

تکذابی را که در اینجا باید افزود اینکه معمولاً آثار سیاستهای اقتصادی با یک تأخیر زمانی ۶ ماهه یا یکساله بتدریج آشکار می‌شوند و برخی می‌توان

اهمیت فرهنگ

کشور ما علاوه بر اینکه یک کشور اسلامی است، کشور درحال توسعه و بازسازی نیز می‌باشد. طبیعتی است برای اینکه بتوانیم کشور را روحیات بالای اسلامی داشته باشیم، نیاز به فرهنگی قوی و مستقل داریم. از طرفی برای رسیدن به توسعه اقتصادی نیز یک حرکت سیستمی لازم است که در آن سیستم، موارد مختلفی مانند انباشت سرمایه، آموزشهای تخصصی، دولت توسعه گرای قوی و با ثبات و تحول فرهنگی وجود دارد، که در واقع تحول فرهنگی اساسی‌ترین عامل آن است. برای توسعه اقتصادی باید به سراغ فرهنگ رفت و دید چه رابطه مشخص بین این دو وجود دارد و اهمیت و نقش فرهنگ در چه حد است. در ابتدا دو اصطلاح توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه را تبیین کرده و به اختصار این دو مفهوم می‌پردازیم.

اصطلاح اول به افزایش سهم پیروزی و بهرشدی از فرهنگ و امکانات فرهنگی، رشد آگاهی و پیشی آحاد جامعه، رونق بازار علم و هنر و همگانی شدن آن در نظر گرفته و وسعت و ارتقای آن از نظر کیفیت برمی‌گردد. توسعه فرهنگی بینه سازی شرایط فرهنگی و رشد کمی و کیفی مسایل فرهنگی را نوبد می‌دهد.

در اصطلاح دوم مقصود این است که ببینیم جایگاه فرهنگ در توسعه کدام است. چه نقشی در توسعه دارد و کدام



اقتصادی

تعریف فرهنگ در قانون برنامه پنج ساله (۷۲- ۶۸) بدین صورت مطرح گردیده است «فرهنگ کلیت هفتافهٔ باورها، هئاسلات، ارزشها، آرمان‌ها، دانشها، هنرها، فنون، آداب و اعمال جامعه و مشخص‌کننده ساخت و تحول کیفیت زندگی برای یک ملت است.»

با توجه به تعریف فوق هنرهای فرهنگی توسط دولت(۵) و خائوارها تأمین و تحویض داده می‌شود. در اینجا وضعیت توسعه‌یافته توسعه این دو نهاد را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

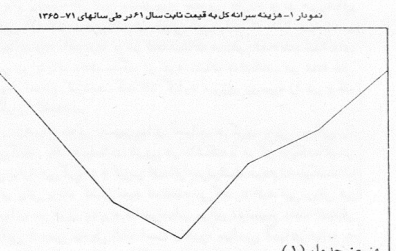
بررسی هزینه سرانه فرهنگی تخصیصی دولت

در ابتدا با نگاه به وضعیت تخصیص توسعه دولت به بخش فرهنگ جایگاه و سهم این بخش را در میان عناصر بخش‌های دولتی و اداری سازمان برنامه و بودجه، شورای اقتصاد و برنامه پنج سال اول بررسی کرده و آنرا با حالت مطلوب مقایسه می‌کنیم.

سال	بودجه عمومی کشور (میلیون ریال)	هزینه سرانه فرهنگی جاری (ریال)	هزینه سرانه فرهنگی ثابت (ریال)	هزینه سرانه فرهنگی (ریال)	نسبت هزینه سرانه فرهنگی به کل هزینه سرانه فرهنگی
۱۳۶۱	۳۳۶۱۷۳۳	۱۱۹۱۵۰	۱۴۶۹۱۰	۱۶۸۸۰۶۰	۱۰۰
۱۳۶۲	۳۴۱۵۷۹۱	۷۸۵۲۰	۱۴۶۹۱۰	۱۶۸۸۰۶۰	۴۶
۱۳۶۳	۳۴۸۲۹۱۸	۷۸۰۲۰	۱۴۶۹۱۰	۱۶۸۸۰۶۰	۴۱
۱۳۶۴	۳۵۲۵۸۹۱	۸۷۳۸۰	۱۴۶۹۱۰	۱۶۸۸۰۶۰	۳۵
۱۳۶۵	۳۶۷۹۹۳۸	۸۵۷۱۸	۱۴۶۹۱۰	۱۶۸۸۰۶۰	۳۲
۱۳۶۶	۳۶۷۹۹۳۸	۱۱۸۹۲۲	۱۴۶۹۱۰	۱۶۸۸۰۶۰	۳۷
۱۳۶۷	۳۶۷۹۹۳۸	۱۱۸۹۲۲	۱۴۶۹۱۰	۱۶۸۸۰۶۰	۳۷
۱۳۶۸	۳۶۷۹۹۳۸	۱۱۸۹۲۲	۱۴۶۹۱۰	۱۶۸۸۰۶۰	۳۷
۱۳۶۹	۳۶۷۹۹۳۸	۱۱۸۹۲۲	۱۴۶۹۱۰	۱۶۸۸۰۶۰	۳۷

* تخمین
سود (۲) با استفاده از شاخص قیمت و نرخ تورم فرسایهای مذکور محاسبه گردیده است (ماده: یک پارک مرتج ۱- ۱)

با نگاه به جدول (۱) ملاحظه می‌شود که بودجه عمومی کشور در سال ۱۳۶۱ مبلغ ۳۳۶۱۷۳۳ میلیون ریال بوده که در سال ۱۳۶۹ به ۳۶۷۹۹۳۸ میلیون ریال افزایش یافته است. هزینه سرانه به هزینههای جاری در سال ۱۳۶۱ حدود ۱۱۹۱۵۰ ریال بوده است که این رقم در سال ۱۳۶۹ به ۱۱۸۹۲۲ ریال افزایش یافته است. با محاسبه هزینه سرانه به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ می‌شود که هزینه سرانه سال ۱۳۶۹ فقط در حدود ۳۴۱۹۲۲ ریال



منبع: جدول (۱)

اثرات مثبت با منفی آنها را دریافت و اندازه گیری نمود و به اصلاحات سیاستها بپردازت، اما آثار سیاستهای فرهنگی در دراز مدت خود را آشکار می‌سازند و چه بسا روزگاری آثار منفی سیاستهای فرهنگی بروز نمایند که دیگر زمانی برای اصلاح آن سیاستها باقی نمانده است و خطر نیز در همین جاست! متأسفانه نباید گفت که گویا هیچگونه ملاک و معیاری برای ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی در کشور ما وجود ندارد، بگونه‌ای که برخی تصور می‌کنند اگر وزارتخانه‌ای که متولی امر فرهنگ در جامعه مست تعطیل شود، چندان تفاوتی در جامعه مشاهده نخواهد شد، و شاید همین برداشت باعث شده است که این وزارتخانه تا هرز تعطیل شدن به پیش رود ... مطلب ذیل بخوبی نشان می‌دهد که تخصصی بودجه به امر فرهنگ تا چه حد اندک است و سهم هزینه‌های فرهنگی در سبد هزینه خانوارها (بدلیل شرایط اقتصادی‌ای که در آن بسر می‌برند) چقدر پایین است. آیا در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که مقوله فرهنگ در جامعه ما از جایگاه مناسب برخوردار باشد؟ و در عصر ارتباطات و جنگ امواج در مقیله با «تأهجام فرهنگی» ایستادی کرد؟ و در مسافه جهانی فرهنگ و علم حضور یافت؟ ... نمی‌توان به تقویت و استحکام سنگر فرهنگی جامعه پرداخت، بلکه روی آوردن به یک برنامه‌ریزی مدون فرهنگی که در آن به تمام ابعاد و جهات موضوع توجه و معیابها و ضابطه‌های معینی برای ارزیابی مداوم اجرای این برنامه تعیین و با نظارت بکنگر دنبال شود و... تنها راه برای هدایت فرهنگی جامعه بسوی اهداف مطلوب خواهد بود.

عناصر فرهنگی می‌تواند بازدارنده یا پیش برنده توسعه باشد. به‌یادرت دیگر توسعه را مفهومی ضروری و ثابت می‌گیریم و فرهنگ را نسبت به این عنصر ثابت می‌چشم.

در واقع فرهنگ توسعه به این معنی است که جامعه را برای پذیرش اصول توسعه آماده نمایند و به‌یادرتی فرهنگ توسعه‌ای باشد.

«هر منظفای دارای مظاهر فرهنگی خاص خود است که ریشه‌های عمیقی در ارزشها و عقاید، خواستها و نیازهای مردم آن منطقه دارد. این موضوع نیز ناشی از مبتنی بودن این مظاهر فرهنگی بر میراث اصلی است که در تصویر مشترک مشترک «خود» و «جامعه» دخالت دارد و وضوح این هویت فرهنگی و استمرار سازنده آن، عامل اساسی در ایجاد هویت چهارچوب فرهنگی بنسجم و انسجام بخش است. بدون داشتن این چهارچوب فرهنگی نمی‌توان به نهادهای مناسب و کارا، که هم در سنت و هم در اصالت متکی باشند و هم تدریجاً نوسازی و تغییر باشند، دسترسی پیدا کرد. بدون این نهادهای توسعه واقعی نمی‌تواند شکل بگیرد.» (۱)

پس نگیه بر فرهنگ که دامنه آن بسیار وسیع است اما مهمترین عواملی است که باید مورد توجه حواملی امر گیرد که داعیه توسعه در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را دارند و هیچ ملتی نمی‌تواند به اهداف توسعه و بازسازی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود جامه عمل بپوشاند مگر آنکه پیش از آن، زمینه‌های توسعه فرهنگی را

۱۳۶۵	۳۴۱۵۷۹۱۸۵۰	۴۲۵۵۸۳۲۷	۱/۲
۱۳۶۶	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱
۱۳۶۷	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۱
۱۳۶۸	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۲
۱۳۶۹	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۴
۱۳۷۰	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۵۸

۱۳۶۵	۳۴۱۵۷۹۱۸۵۰	۴۲۵۵۸۳۲۷	۱/۲
۱۳۶۶	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱
۱۳۶۷	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۱
۱۳۶۸	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۲
۱۳۶۹	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۴
۱۳۷۰	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۵۸

مقایسه عملکرد اعتبارات بخش فرهنگ و بودجه عمومی کشور

جدول ۲
۱۳۶۵-۶۹
ارقام به هزار ریال

سال	بودجه عمومی کشور	بودجه بخش فرهنگ	نسبت بودجه بخش فرهنگی به بودجه عمومی کشور (درصد)
(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
۱۳۶۵	۳۴۱۵۷۹۱۸۵۰	۴۲۵۵۸۳۲۷	۱/۲
۱۳۶۶	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱
۱۳۶۷	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۱
۱۳۶۸	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۲
۱۳۶۹	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۴
۱۳۷۰	۳۴۸۲۹۸۱۴۱	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۵۸

* مقصوب
منبع: قانون بودجه سالهای مذکور
برخش فرهنگی تخصیص داده شده است (جدول ۲) با نگاه به ارقام هزینه دیگر هم می‌توانیم که حدودا این نسبت حفظ شده است که متأسفانه رقم بسیار پایینی است. نسبت اعتبارات عمرانی بخش به اعتبارات عمرانی بودجه عمومی کشور در سال ۱۳۶۵ بود ۰/۸، درصود در سال ۱۳۶۶ حدود ۰/۵ درصود و در سال ۱۳۶۷ حدود ۰/۹ درصود و در سال ۱۳۶۸ حدود ۱/۲ درصود می‌باشد(جدول ۳).

مقایسه عملکرد اعتبارات عمرانی بخش فرهنگی و بودجه عمومی کشور ۱۳۶۵-۶۹

سال	اعتبارات عمرانی بودجه عمومی کشور	اعتبارات عمرانی بخش فرهنگی	نسبت اعتبارات بودجه عمومی بخش فرهنگی به اعتبارات عمرانی بودجه عمومی کشور
(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
۱۳۶۵	۴۲۵۵۸۳۲۷	۴۲۵۵۸۳۲۷	۱/۲
۱۳۶۶	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱
۱۳۶۷	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۱
۱۳۶۸	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۲
۱۳۶۹	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۴
۱۳۷۰	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۱/۵۸

با مقایسه توزیع اعتبارات بخش فرهنگ (عملکرد) برحسب فصل در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۸ در جدول (۵) می‌توانیم که در سال ۱۳۶۵ توزیع اعتبارات فصل فرهنگ و هنر، اطلاعات و ارتباط جمعی و جهانگردی به ترتیب ۲۹/۲ درصد، ۷/۰ درصد و ۰/۸ درصد بوده است درحالی که همین نسبتها در سال ۱۳۶۹ به ترتیب ۳۴/۱، ۶/۰ و ۵/۶ درصد



نسبت بودجه بخش فرهنگ به بودجه عمومی کشور در سطح پائینی قرار دارد و بطور متوسط این نسبت در طی سالهای ۷۰-۱۳۶۵ یک درصد است

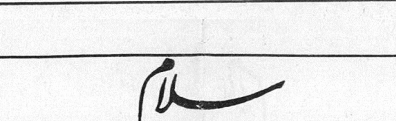
بررسی بودجه فرهنگی کشور

تقسیم‌اتول
از: **وحید محمودی**
عضو هیات علمی دانشگاه شاهد



اگر نهادهاسازی و توسعه اقتصادی همراه با توسعه فردی، یعنی دگرگونی دیدگاهی و ظرفیت در افراد نباشند، توسعه به آشفتگی تبدیل می‌شود.

ایجاد کرده‌باشد و در آن فرهنگ توسعه یافته و بالنده و به‌یادرتی باورهای مناسب فرهنگی را تقویت نماید. تجربه ثابت کرده است اگر بدون توسعه فرهنگی، در بارهای از موارد موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی هم برای ملتی حاصل شود همواره بصورت پراکنده و بی‌ثبات بوده و در مقابل نا کابهای بسیار، ناچیز و غیرقابل توجه و ناپایدار است. «کره جنوبی، سنگاپور و تایوان بعنوان نمونه‌های بارز توسعه اقتصادی در جهان سوم شناخته شده‌اند. علاوه بر متغیرهایی مانند کمکهای خارجی، حمایت سیاسی و وضعیت مساعد میادلات بین‌المللی که خود شاخصهای با اهمیتی می‌باشند، پاسپاری از تحلیلگران یکی از علل مهم در سرعت و کیفیت رشد و توسعه این ممالک را بافت فرهنگی آنان



بررسی بودجه فرهنگی کشور

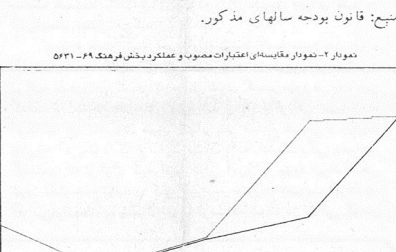
تقسیم‌دوم
از: **وحید محمودی**
عضو هیات علمی دانشگاه شاهد

است. ملاحظه می‌شود که در توزیع اعتبارات به سئله توریسم و جهانگردی توجه چندانی نگردیده است. اگر چه درصود تخصیص یافته در سال ۱۳۶۹ نسبت به سال ۱۳۶۸ قابل توجه است.

در جدول شماره (۲) نسبت باین بودجه بخش فرهنگ به بودجه عمومی کشور را ملاحظه کردیم. سوالی که اینجا مطرح می‌گردد اینست که آیا همین درصد کم از بودجه عمومی کشور که به بخش فرهنگ تخصیص داده شده، مصرف می‌گردد و اگر مصرف می‌گردد بصورت پهنه و با برنامه‌ریزی صرف می‌گردد یا خیر، پاسخ به قسمت دوم سوال مشکل و از حوصله این گزارش خارج است. برای پاسخ به قسمت اول با نگاه به

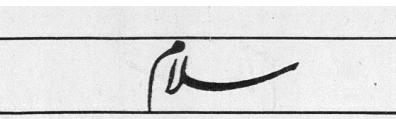
جدول (۴) رشد عملکرد به مقصوب اعتبارات بخش فرهنگ

سال	مقصوب	عملکرد	رشد عملکرد
۱۳۶۵	۵۳۵۱۸۸۲۳	۴۲۵۵۸۳۲۷	۲۰/۵
۱۳۶۶	۴۰۱۶۸۵۰	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۰/۸
۱۳۶۷	۴۰۱۶۸۵۰	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۰/۲
۱۳۶۸	۴۰۱۶۸۵۰	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۳۳/۵
۱۳۶۹	۴۰۱۶۸۵۰	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	۴/۷
۱۳۷۰	۴۰۱۶۸۵۰	۴۰۱۶۱۳۲۰۷	—



منبع: جدول (۴)

مقایسه توزیع اعتبارات بخش فرهنگ (عملکرد) برحسب فصل در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۸ در جدول (۵) می‌توانیم که در سال ۱۳۶۵ توزیع اعتبارات فصل فرهنگ و هنر، اطلاعات و ارتباط جمعی و جهانگردی به ترتیب ۲۹/۲ درصد، ۷/۰ درصد و ۰/۸ درصد بوده است درحالی که همین نسبتها در سال ۱۳۶۹ به ترتیب ۳۴/۱، ۶/۰ و ۵/۶ درصد



بررسی بودجه فرهنگی کشور

تست‌آخر
از: **وحید محمودی**
عضو هیات علمی دانشگاه شاهد



وضعیت هزینه سرانه فرهنگی خانوارهای روستایی تقریباً مشابه خانوارهای شهری است. در سال ۱۳۶۱ متوسط هزینه سالانه یک خانوار روستایی ۱۶۱۲۷۵۵ ریال (معافه ۱۳۵۶۰۰ ریال) بود که نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد افزایش داشته است. همچنین بررسی متوسط هزینه‌های غیر خانوار سالانه خانوارهای روستایی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۸ از کل هزینه‌های خانوار ۵۱۳ درصد مربوط به هزینه‌های غیرخانوار می‌باشد. در بین هزینه‌های غیرخانواری بیشترین سهم را ۳۲ درصد مربوط به هزینه پزشک و دکتر و گسترترین آن ۲/۶ درصد مربوط به هزینه تفریحات، سرگرمیها، تحصیل و آموزش بوده است(۷). همچنین هزینه خانوارهای شهری نسبت هزینه خدمات فرهنگی به کل هزینه در سال ۱۳۶۸ به نسبت سال ۱۳۶۵ از یک معادله ملاحظه

دانستند. اصول فرهنگی این کشورها نیازهای لازم فرهنگی توسعه اقتصادی را تسیر ساخته است. در جوامع خاور دور، افراد شنیده‌اند به سلسله مراتب احترام می‌دارند و معمولاً اهداف ملکنی و گروهی را بر اهداف شخصی مقدم می‌دارند. به سخت کار کردن و زحمت کشیدن نهاده دارند و به اشتغال، انجام وظایف موبسه استخدامی خود وفاداری فوق‌العاده نشان می‌دهند. رغبت قانون پذیری افراد در سطح بالایی قرار دارد، این نظم، سازماندهی و دقت در کار میرت خاص فائلتند. چون سلسله مراتب رعایت می‌شود و هر کس در حدود اختیارات خود عمل می‌کند، مدیریت بر فعالیتهای اقتصادی و ایجاد هماهنگی میان تمام بخشها با سهولت انجام می‌پذیرد.(۲)

خصوصیتهائی که در بالا ذکر گردید مجموعه باورها، بندهارها و ارزشهای است که باید در بستر فرهنگ شکل بگیرد و تقویت شود تا برای آحاد مردم بصورت ملکه درآید. متأسفانه خصوصیات فرهنگ اقتصادی فوق در اغلب کشورهای جهان سوم و از جمله کشور ما وجود ندارد. اگر چنین جو فرهنگی بر جامعه، محیط کار و تولید اقتصادی حاکم شود و با ابتکار و خلاقیتها، نوآوری و شکوفائی استعدادها توان گردد، بدین حد حداقل در میدان اقتصادی، اینگونه کشورها از زاده‌های قابل توجهی برخوردار می‌گردند.

با توجه به وظایف و رسالت عظیمی که انقلاب اسلامی بر دوش ما گذاشته است و با عنایت به اینکه کشورهای به لحاظ اقتصادی پیشرفته به مرحله فرا صنعتی رسیده‌اند، باید به خود آئیم و به خودشنی خویش بپارازیم که ما هم می‌توانیم، با باید روح جمعی و تعاون را در جهت اهداف توسعه‌یافته و داد و تقویت کرد.

تجربه چند دهه اخیر ثابت کرده است که آگهی نهادهاسازی و توسعه اقتصادی همرا با توسعه فردی، یعنی دگرگونی

تجربه ثابت کرده است اگر بدون توسعه فرهنگی، در بارهای از موارد موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی هم برای ملتی حاصل شود همواره بصورت پراکنده و بی‌ثبات بوده و در مقابل نا کابهای بسیار، ناچیز و غیرقابل توجه و ناپایدار است.

دیدگاهی و ظرفیت در افراد نباشد، توسعه به آشفتگی تبدیل می‌شود. زیرا جامعه را با شکاف میان عینیت و ذهنیت مواجه می‌کند. توسعه فراگردی است که ساختارها و بافت جامعه را پیچیدتر می‌کند و اگر ذهن افراد مثل گذشته ساده بماند و نتواند این پیچیدگی را درک کند، نخواهد توانست بر مشکلات خود چیره شود.

رژم ژرفروزی کشور زاین، بعنوان نمونه یک کشور توسعه یافته و موفق در این است که نه تنها هویت فرهنگی خود را فراموش نکرده، بلکه برنامه‌های توسعه خود را بر مدار میراث و ارزشهای فرهنگی بنا نهاده. بنا بر این ضرورت دارد در این مورد توافق کنیم که برنامه توسعه باید بر فرهنگ تکیه کند، در واقع توسعه فرهنگی نیازمند این است که افراد در فرهنگ گاه توسعه خود و از آنجا که فرهنگ ما ساختی عمیقاً مذهبی دارد، تردیدی باقی نمی‌ماند که کار را با تکیه بر عناصر و ارزشهای دینی و فرهنگی شروع کنیم. پس باید به هم بر فرهنگ تکیه کرد و هم آرا تصحیح و تعدیل نمود.

اگر نهادهاسازی و توسعه اقتصادی همراه با توسعه فردی، یعنی دگرگونی دیدگاهی و ظرفیت در افراد نباشند، توسعه به آشفتگی تبدیل می‌شود.

ایجاد فرهنگی مجموعه هماهنگ و یکدست که منشا، پیدایش باورهای مناسب باشند، برخی باورهای فرهنگی رشد در تاریخ سیاسی و اقتصادی دارند، دستهای رشد علمی داشته و برخی ریشه در مذهب دارند، برخی نیز ریشه در شرایط و اوضاع طبیعی و جغرافیایی دارند و در طی زمانهای طولانی بوجود آمده‌اند و در طول تاریخ تغییر نگردانند. لذا باید این باورهای فرهنگی را برشیمایی کرده و رفرمها را از آن بزدانیم تا تحول لازم حاصل آید. در هر حال چون فرهنگ با آن اساسی رفتارهای و ماسات و بخش قابل توجهی از رفتارهای اقتصادی نیز بر این اساس استوار است به نرم ما ریشه درخت توسعه اقتصادی تلقی می‌شود و رمز توسعه یافتگی و استمرار آن را الزاماً در داشتن هویت مستقل فرهنگی جستجو می‌کنیم.

شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۴- ۴ ذیحجه ۱۴۱۵- ۲ صبحه ۶ صبحه ۶
سال چهارم- شماره ۱۱۳۵
۱۹۹۵

برنامه‌ریزی فرهنگی
برنامه‌ریزی، ایجاد یک یکم بزرگ هدایت منطقی عملیات و با بهترین نوع استفاده از امکانات و منابع موجود (اعم از منابع و امکانات بالفعل و بالقوه) در جهت تأمین هدفها (اساسی‌ترین نیازهای جامعه) است.
سوالی که در زمینه برنامه‌ریزی فرهنگی مطرح می‌شود به این قرار است که ۱- آیا فرهنگ قابل برنامه‌ریزی هست؟!
۲- آیا فرهنگ مقوله‌ای کیفی است؟!
۳- آیا کیفیتها قابل برنامه‌ریزی هستند ...
«در مورد برنامه‌ریزی فرهنگی دو گونه اعتقاد وجود دارد، گروهی معتقدند مقولات کیفی قابل برنامه‌ریزی نیستند و فرهنگ هم چون مقوله‌ای کیفی است قابل برنامه‌ریزی نیست، زیرا برنامه‌ریزی مستلزم پرداختن به کمیتهاست و کاربردی روشهای کمی در این امر، معنی اساسی فرهنگ را خدشدار می‌کند. گروهی دیگر اعتقاد دارند که فرهنگ قابل برنامه‌ریزی است. به قبول «لردکلین» (۲) هرچه قابل درک باشد، قابل اندازه‌گیری نیز هست، به آنهاهی که می‌گویند فرهنگ قابل اندازه‌گیری نیست، در واقع این امر را انتقاد با آنها وارد است که قادر به درک درستی از فرهنگ نیستند(۴).»
اعتقاد ما بر این است که گرچه برنامه‌ریزی فرهنگی مشکلات فراوانی داشته و در فرهنگ ناشناخته‌های زیادی وجود دارد و برخی از مقولات فرهنگ پیوند و قابل‌برنامه‌ریزی دقیق نیست اما با این وجود فرهنگ در کل قابل برنامه‌ریزی است و بخش فرهنگ برنامه‌ریزی خاص خود را می‌یابد، بنابراین درست است که نمی‌توان برای تمام ابعاد فرهنگ و زوایای روحی و فکری جامعه برنامه‌ریزی کرده، ولی می‌توان بسیاری از سیاستها و اصولی را که در فضا سازی جامعه مؤثرند، تبیین کرد.

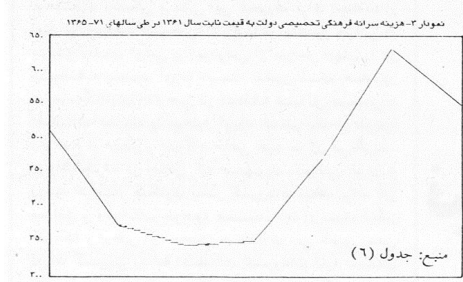
تجربه ثابت کرده است اگر بدون توسعه فرهنگی، در بارهای از موارد موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی هم برای ملتی حاصل شود همواره بصورت پراکنده و بی‌ثبات بوده و در مقابل نا کابهای بسیار، ناچیز و غیر قابل توجه و ناپایدار است.

تخصیص بودجه به بخش فرهنگ
رسالت فرهنگ و مجموعه‌ای فرهنگی، تربیت و پرورش صحیح انسانهاست. با این نگاه باید نگرش و منابع عمرانی به تربیت و پرورش شخصیت افراد معطوف شود. باید از طریق نفوذ در افراد در دوران شکل گیری شخصیت، تحول مورد نیاز را به وجود آورد و باورها و ارزشهای مورد نیاز را خیز، شخصیت آنها کرد. مطالعات روانشناختی نشان می‌دهد که شخصیت افراد در سنین ۵- ۵ سالگی شکل می‌گیرد و بعد از این، تحول شخصیتی کند می‌شود. پس برای تحول فرهنگ از طریق ساخت-تخصیص باید سراغ کودکان و نوجوانان رفت و با طبیعتی است که افراد در این سنین در مدرسه، خانه و یا اجتماع هستند. فرهنگ سازی برای توسعه اقتصادی ایجاب می‌کند که در خانه، مدرسه و اجتماع درست عمل کنیم. پس محور برنامه‌ریزی توسعه، و با استراتژیهای تحول فرهنگی از طریق آموزشهای مهارت‌یاب عبارتند از ۱- اصلاح و نوسازی مدارس مقدماتی (مدرسه) ۲- تأمین نیازهای اساسی زندگی (خانک) ۳- الگو سازهای فرهنگی (اجتماع) که استراتژی سوم از جمله وظایف مهم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

۱- اسماعیل سراج الدین، فرهنگ، فرهنگ‌های و الگوی توسعه، ترجمه علی هاشمی، نگاه و نشر، ۵.	۶- Lord kelvin
۲- Her man Kahn, PP.121-122,339, calcalark, the taiwan implications for Contending Political Economy Paradymis, 1987	۷- International Studies quarterly, 310, 327, 357.
۳- Lord kelvin	۸- الی کی مانیو، نظام آثاری برای برنامه‌ریزی فرهنگی در آسیا، ترجمه ویکتوریا منصوری موبد، شهلا اشرف (تهران)، وزارت برنامه و بودجه، مدیریت ارشاد و فرهنگ و هنر، (۱۳۶۳)

شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۴- ۶ ذیحجه ۱۴۱۵- ۶ صبحه ۶
سال چهارم- شماره ۱۱۳۶
۱۹۹۵

۱۳۶۸ از روند کاهش برخوردار بوده و در سال ۱۳۷۰ شروع به افزایش کرده است. این افزایش تا سال ۱۳۸۰ ادامه یافته و در سال ۱۳۷۰ منحنی روند نزولی بوده گرفته است. به‌یادرتی هزینه سرانه فرهنگی در سالهای ۶۵ تا ۶۹ نسبت به سال ۱۳۶۱ (سال پایه) به ترتیب ۴۳، ۵۹، ۶۲، ۶۱، ۶۸ درصد کاهش داشته است.



منبع: جدول (۶)

جدول (۵)
مقایسه توزیع